

تاریخ دریافت: 95/2/20

تاریخ پذیرش: 95/6/25

## قرینگی در هنر و عرفان

رحمان پرچگانی<sup>1</sup>

### چکیده:

نگاهی به هنر و عرفان اسلامی از جمله، معماری مساجد، نگارگری، خوشنویسی اسلامی، تذهیب، هنرهای نمایشی (پرده‌خوانی، تعزیه‌خوانی) نقاشی قهوه‌خانه‌ای و سقاخانه‌ای از جمله هنرهای قدسی تلقی می‌شوند که با به کارگیری صحیح و اصولی از تکنیک‌ها و عوامل مختلف و ارزش‌های هنری همه و همه بیانگر این آمیختگی میان فرم و محتوا و تعامل میان هنر با افکار و اعتقادات انسانی است. در اینجا پرسش اساسی این است که امروزه چرا در میان بزرگ‌ترین آثار جاویدان ادبی و هنری که به جهت سهولت انتقال پیام و معنا و سرعت نمایش رسانه‌ای آن، جهانی می‌شوند، سهم آموزه‌های دینی اندک است؟ در حالی که در گذشته استفاده از رسانه‌ها و هنر کمتر امکان‌پذیر بود، اما با این وجود هنر بیشتر، مورد استفاده فرهیختگان اسلامی قرار می‌گرفت، به طوری که کهن‌ترین و با ارزش‌ترین آثار دینی و تاریخی سرزمین‌های اسلامی به جهت آمیختگی با هنر پایدار مانده است. با توجه به این نکته که استفاده از ابزار هنری وابسته به خالق اثر هنری است و در هر مسیری می‌تواند از آن بهره‌برداری نماید لذا هنرهای تجسمی، ادبیات و کلیه رسانه‌ها توانائی این را دارند که بر خلاف کاربرد آن‌ها در مسیر انفعال، در جهت حیات روحی، احیای فطرت و در مسیر حکمت معنوی و حقیقت استفاده گردند.

### کلید واژه‌ها:

قرینگی، هنر، عرفان.

---

<sup>1</sup> - گروه معماری و شهرسازی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. [rparchegani@yahoo.com](mailto:rparchegani@yahoo.com)

دکتری هنر از دانشگاه (Hacettepe) آنکارا

## پیشگفتار

اصولاً در تعالیم اسلامی در قرآن و حدیث در ذیل مسأله خلقت موجودات خصوصاً آفرینش انسان نه از تقارن بلکه از تسویه سخن به میان آمده که البته فرض آنست که می‌تواند از موارد لحاظ شده امر قرینه‌سازی باشد، اما کلاً مقصد آنست که آفرینش انسان در یک وضعیت ممتاز تعادلی بوده و تمام اندام‌ها و اعضا و جوارح و قوای ظاهری و باطنی و مراتب روحی و نفسانی از آن پیروی می‌کنند که در متون مفصل بدان پرداخته‌اند در تفسیر آیه «إِذَا سُوِّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» باز در ذیل آیات قسط و برابری و مسأله مساوات و عدل «وَضَعُ الشَّيْءِ فِي مَوْضِعِهِ» یعنی هر چیزی در جایگاه شایسته‌اش مستقر باشد، خیلی سخن داریم که طبعاً حکما و عرفا مسلمان نیز بدان پرداخته‌اند. در ذیل آیات قسط و برابری و مسأله مساوات و عدل... وضع الشی فی موضعه... یعنی هر چیزی در جایگاه شایسته‌اش مستقر باشد خیلی سخن داریم که طبعاً حکما و عرفا مسلمان نیز بدان پرداخته‌اند. در اخلاق و حکمت عملی عدالت (تعادل و نظم نظام) از نخستین مبانی اتفاقی به شمار می‌رود و اساس سایر فضائل و کمالات است و قصه درازی دارد. در عرفان منظوم مثلاً آثار مولانا و حافظ و... هم اشاراتی به همین مقولات یعنی توجه دادن به تعادل امر خلقت و نظام احسن و زیبایی سویه خلقت و کمال نظام آفرینش و تعادل ساختار موجودات و تبعیت همه از سنت الهی که بر اساس حکمت بالغه الهیه می‌باشد اشاره شده است. حافظ می‌فرماید.

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت      آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد  
در شعر دیگری می‌گوید.

لاله ساغر گیر و نرگس مست و بر مانام فسق      داوری دارم بسی یارب که را داور کنم  
و باز می‌فرماید:

در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود      کین شاهد بازاری و آن پرده نشین باشد  
یا حضرت مولانا می‌فرماید.

گر زخاری خسته‌ای خود کشته‌ای      ور حریر وقز دری خود رشته‌ای

همه این مطالب از دیدگاه شارحین اوج بیان تعادل و نظام و زیبایی و چه بسا تقارن و توازن است و گویای قاعده عمل و عکس‌العمل است و آن در نظام متعادل و چه بسا متقارن خلقت به

درستی عمل می‌کند.

برای جستجوی تقارن در عرفان و حصول به اصل و مصدر این قواعد و نظریات ویژه، بایستی در فلسفه کهن اعم از حکمت یونانی و در مکتب فیلسوفان تاریخ‌ساز و دانش گسترتری چون فیثاغورث، سقراط، دموکریت، افلاطون و ارسطو و پیروان و شارحین ایشان و یا حکمت شرقی، مکتب خسروانی، اندیشه پهلوی، افکار و اندیشه‌های منتسب به ادیان و مکاتب باستانی بشر در شرق دور از جمله چین و هند شرق میانه بابل و مصر و... ردیابی کرد. در قرآن مجید و برای مثال در آیات 7-9 سوره سجده آمده است.

«لَدَىٰ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (7) ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (8) ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید؛ و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد؛ سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید، سپس اندام او را موزون و متعادل ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد؛ اما کمتر شکر نعمت‌های او را به جا می‌آورید!

در حقیقت، توازن از هستی شروع می‌شود و به انسان می‌رسد. انسان هم طبعاً جلوه و شأنی از شئون هستی است. البته این توازن در خود هستی وجود دارد و در تعینات هستی و در عالم نیز توازن هست. در ملک و ملکوت، توازن هست. عالم ملکوت، عالم توازن است و هر چیزی در جای خودش قرار دارد. ذره‌ای کم و زیاد یا زیر و بالا ندارد و خطایی در آن نیست. پس کل ملکوت، عالم توازن است. همین عالم ملک هم عالم توازن است؛ مگر اینکه ما شیطنت بکنیم و بخواهیم توازن آن را بر هم بزنیم! این شیطنت‌ها را گاهی در انسان می‌بینیم، زیرا انسان به همان اندازه که مظهر رحمان است، جهات ابلیسی هم می‌تواند در او ظهور پیدا کند.

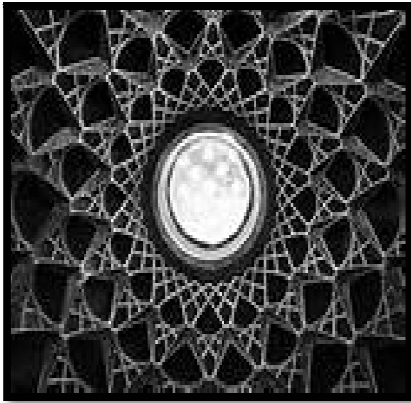
بسیاری از بزرگان عرفا مخصوصاً صاحب بیان السعاده، در بیان معنای این واژه می‌گویند: هر کسی به توازن عقل و عشق رسید و معمار وجود او، عقل شد، مصداق مفهوم قسط و توازن خواهد بود. توازن گونه‌ها و نحله‌های متنوعی دارد که یکی از مهمترین توازن‌ها، توازن قوای نفسانیست که در عرفات اسلامی به آن پرداخته شده است.

در مبحث تسویه، ملا صدرا درباره واژه تسویه می‌گوید که تسویه دو نوع است: نوع اول که موجب نشئت جسمی انسانی است، عبارت از تغییراتی است که در ماده انسانی صورت می‌گیرد و آن را به حالت استواء (اعتدال) در می‌آورد و مستحق فیضان نفس می‌گرداند و انسان بشری به وجود می‌آید. تسویه دوم سبب نشئت روحی انسان است و نفس پس از آن‌که صفات نفسانی در آن به

اعتدال رسید و ملکات تعدیل شد، مستحق فیضان روح الاهی می‌گردد و این روح الاهی غیر از روح بشری نفسانی است و نسفی تسویه را استعداد قبول نور و نفخ روح می‌داند که نتیجه مزاج معتدل یا همان مزاج مستوی است. همچنین صائن‌الدین ترکه اصفهانی نیز نفخ روح را حاصل تسویه و تعدیل قوای ظاهر و باطن سالک می‌داند.

شارحان گلشن راز از جمله حکیم لاهیجی می‌گویند که تعدیل و تسویه سبب حسن و کمال جسم می‌گردد و آنگاه نفس - که عاشق جمال و کمال است - در تن دمیده می‌شود.

در بحث هنر و به خصوص هنر امروزی تحت مدیریت عقل دکارتی و علم تجربی، فطرت‌گریز بوده و در دور نمودن و قطع ارتباط او با ریشه‌های اصیل بشری استفاده گردیده است، اما نباید فراموش نمود که هنرها و رسانه‌ها دارای هویت سیال و وابسته به نگرش‌های هنرمندی می‌باشند که به خلق اثر هنری می‌پردازد. با توجه به گسترده‌گی موضوعات و مفاهیم در هنر و برای حصول به نتیجه‌ای دلخواه لاجرم بایستی به مفاهیم و عناصر جزئی‌تر که در اینجا مولفه قرینگی مد نظر می‌باشد - بسنده نمود.



تقارن در معماری ایرانی

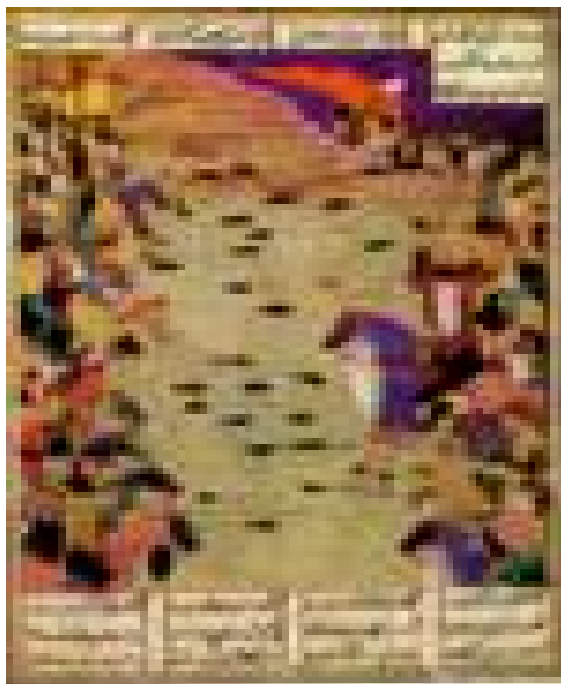


تقارن در طبیعت

از دیدگاه فیزیکی و از مهمترین عوامل موثر در حواس بشری تعادل می‌باشد. تعادل شکل‌های متنوعی دارد از تعادل فیزیکی تا تعادل روحی و همه و همه در جهت رسیدن به آرایش و آرامش در روال زندگی و ایجاد تعادل بصری در خلق آثار هنریست. یکی از مهمترین روش‌های ایجاد تعادل نیز تقارن می‌باشد. تقارن در طول تاریخ و در اغلب فرهنگ‌ها و ملل به آن اشاره شده و در هنرهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفته است اما امروزه هنرمندان برای رسیدن به ترکیب‌بندی‌هایی پویا و پرتحرک کمتر از این مولفه استفاده می‌نمایند. تقارن به دو شکل اساسی تقارن در قرینگی و تقارن

## قرینگی در هنر و عرفان / 245

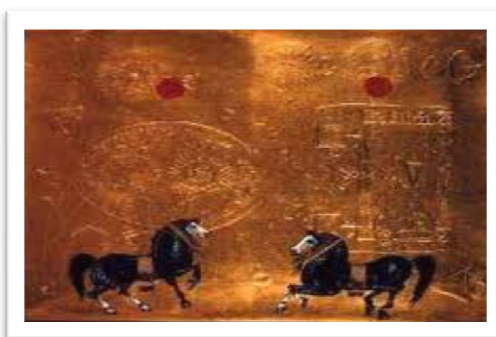
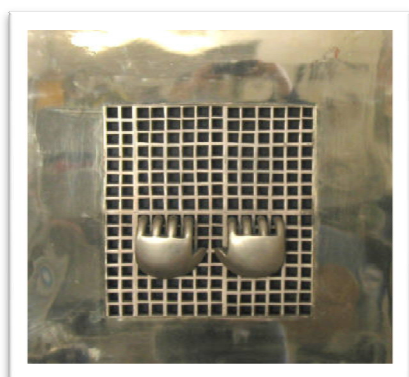
در بی قرینگی تقسیم می‌گردد. غالب نمونه‌های معرفی شده در بخش‌های قبلی از نوع اول محسوب می‌گردند ولی نمونه‌هایی از آثار هنری و دست ساخته‌های بشری وجود دارند که از عامل قرینگی در بی قرینگی بهره می‌جویند. از نمونه‌های بارز این نوع از ترکیب‌بندی را در نگارگری ایرانی بوفور می‌توان شاهد بود.



### شاهنامه. رزم رستم و اشکبوس

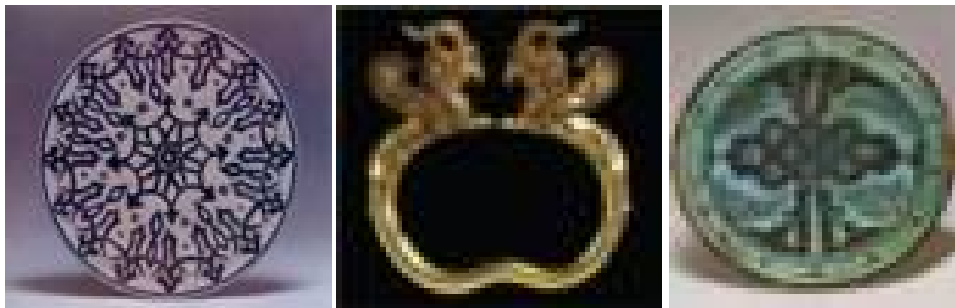
در نگاه اول قرینگی، یکی از ساده‌ترین روش‌های ایجاد یک ترکیب‌بندی در تصویر، معماری و شعر و... می‌باشد. این روش از نظم و ترکیب از قدیمی‌ترین و شایع‌ترین راه‌های تولید یک اثر هنری بوده است اما به رغم سادگی ظاهری آن، از پیچیده‌ترین روش‌های انتقال مفهوم در هنرهای مختلف و به ویژه در هنرهای تصویری می‌باشد. تقارن در هنرهای تصویری و

معماری به عنوان یکی از تکنیک‌ها و روش‌های هدفمند در راستای ارایه دیدگاه‌های هنرمندان در طول تاریخ و در تمامی فرهنگ‌ها و هنرها، به خصوص در هنرهای دینی و قدسی بوده و حضور پررنگ و دامنه‌داری را در طول تاریخ داشته است.



اثری از پرویز تناولی از هنرمندان مکتب سقاخانه‌نثاری از ناصر اویسی از نقاشان مکتب سقاخانه

در هنر سقاخانه‌ای که ریشه در نگاه مذهبی و عرفانی اسلامی و ایرانی دارد، یکی از مهمترین عوامل تصویر به کار رفته، تقارن می‌باشد که با روش‌های بسیار هوشمندانه توسط هنرمندان این مکتب صورت گرفته است. چیزی که در اینجا می‌بایستی به آن اشاره نمود، این واقعیت است که هنرمندان اصیل و راستین که با تمامی عوامل مختل کننده و مضر محیطی و اجتماعی دنیای امروز، ارزش‌ها و فطرت‌های درونی‌شان را بر اساس شرایط زمانی و مکانی حفظ می‌نمایند در جهان کم نیستند. هر چند عیار خلوص و میزان درونی شدن استفاده معنادار از این مولفه (قرینگی) در بین هنرمندان در اقصی نقاط جهان و جوامع مختلف، بسیار متفاوت و گاه حتی متناقض می‌باشد، لکن استفاده هنرمندان معاصر از این عامل با در نظر گرفتن جنبه معنایی آن، به همین میزان نیز جای تامل بوده و بایستی مورد توجه و مذاقه قرار گیرد. عنصر تقارن در معماری و موسیقی به وفور کاربرد دارد به همان میزانی که در طبیعت و پیرامون خود، این پدیده و مولفه حضور دارد، از برگ گیاهان تا بدن انسان و از ریزترین موجودات مانند ذرات اتم‌ها و مولکول‌ها تا آسمان‌ها، کرات و کهکشان‌ها در همه جا سازری و جاریست، هنگامی که ما در تاریخ شرق و هنر اسلامی نگاه می‌کنیم، می‌توانیم به کارگیری عامل تقارن در اغلب شاخه‌های مختلف هنری به خوبی استفاده می‌شود. در واقع، به منظور اشاره به دلایل مذهبی و کمال الهی آن روش ارجح برای تشکیل تقارن است. در معماری و سایر هنرهای اسلامی در سرتاسر جهان انواع مختلفی از تقارن به کار گرفته شده است. در قصر الحمراء، که یک شاهکار هنر اسلامی است چندین نوع از روش‌های قرینگی، زیبایی سحرانگیز و جادویی را به عرصه ظهور رسیده است.



کاربرد تقارن در نقوش هنری دستی

در هنرهای دستی با اشکال متقارن و بسیار آگاهانه در طول تاریخ استفاده می‌شود و با این روش استعاره و معانی سمبلیک خود را نمایان می‌سازد. این عامل در هنر بومیان آمریکا، آفریقا، هنر چینی و ژاپنی نیز در طول تاریخ استفاده می‌شود. به عنوان مثال، یکی از مهمترین سمبل‌های سنتی و عرفانی چینی «یین یانگ» می‌باشد که به عنوان نشانه‌ای از جهان دو قطبی متقارن در نظام هستی را یادآوری می‌نماید.



یین‌گینگ

در آثار معماری اسلامی از تقارن برای ایجاد فضایی آرام و و پایدار استفاده گردیده است. به کمک ساماندهی متقارن نقش‌های پرکار و شلوغ در ریز فضاها و بخش‌ها به هم متصل دیده می‌شوند و به وحدت می‌رسند. و به دلیل قرار گرفتن دو نیمه قرینه در مقابل هم و به شکل انعکاسی، به نحوی شگفت‌انگیز نظمی منتطقی و فضایی رسمی می‌یابد. زیرا درک بصری طرح‌های پیچیده با تزیینات فراوان بسیار سخت و دشوار است.

نوشته‌های فراوانی از ویتوریوس در تفسیر و ستایش زیبایی تقارن با تکیه بر بدن انسان موجود است. کانت اعتقاد داشت که قرینگی بسیار خشک و خسته‌کننده می‌باشد و استفاده از این مولفه اثر را به بی‌احساسی و انجماد و ریاضیات نزدیک می‌کند. در واقع، زمانی یک شی را دارای تقارن می‌نامیم که آن شی را بتوان به دو یا چند قسمت تقسیم کرد که آن‌ها قسمتی از یک طرح سازمان یافته باشند یعنی بر روی شکل تنها جابجایی و چرخش و بازتاب و تجانس انجام شود و در اصل شکل تغییری به وجود نیاید، آنگاه آن را تقارن می‌نامیم.



### بنای تاج محل

تقارن انواع مختلفی دارد که می‌توان به طور خلاصه در چهار بخش تقسیم نمود.

1- تقارن بازتابی: مثلاً اگر بتوان شکل را طوری تصور کرد که انگار قسمتی از آن به طور

آینه‌ای نسبت به قسمت دیگر تکرار شده است.

2- تقارن چرخشی: اگر شکل نسبت به یک نقطه خاص چرخش کند.

3- تقارن انتقالی: اگر شکل جابجا شود ولی تغییری نکند.

4- تقارن تجانسی: اگر تنها ابعاد شکل تغییر کند و در کلیت تغییری به وجود نیاید.

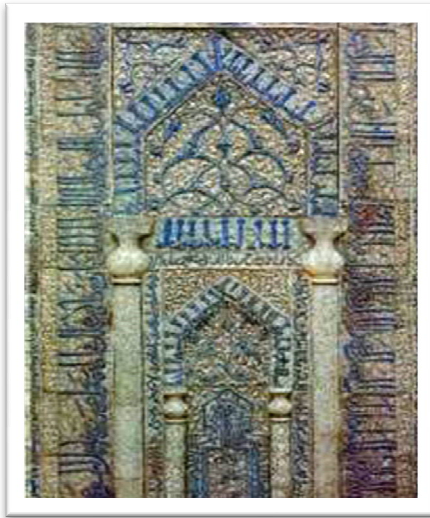
در طول دوران هنر معاصر در اقصی نقاط جهان شاهد تلاش‌هایی جهت رسیدن به آثاری اصیل و ماندگار با تکیه بر اصول زیربنایی و مفاهیم عرفانی و مذهبی بوده‌ایم که قابل تأمل و بررسی می‌باشد. اما حقیقت اینست که این موارد بسیار استثنای بوده و غالباً به شکل‌های انفرادی و در برخی از آثار هنرمندان قابل مشاهده می‌باشد. اینها نشانه‌های استیصال انسان معاصر از وضعیت موجود و بی‌نظمی حاکم در پیرامون می‌باشد. آثاری نسبتاً اصیل که با رجعت به مفاهیم عرفانی در حد شناخت و میزان درک ایشان از حقیقت نظام هستی معنی پیدا می‌کند. از هنرمندانی که تلاش‌های موثری در این زمینه انجام داده می‌شود به موریس اشتر اشاره نمود. اشتر نقاش و گرافیست مدرنیست هلندی، با مطالعه دقیق عنصر قرینگی در هنرهای مذهبی (اسلامی و مسیحی) و با استفاده از ریاضیات و هندسه، آثاری بدیع و تازه‌ای را خلق نموده است. از ویژگی‌های بسیار بارز آثار وی، خلق آثاریست که در آنها از 17 نوع مختلف قرینگی بهره جسته است. این در حالیست که در آثار هنرمندان در طول تاریخ غالباً از حداکثر 3 تا 4 نوع از قرینگی بهره می‌جسته‌اند.

در هنرهای ایران و اسلامی که از زیباترین و پیچیده‌ترین هنرهای مذهبی و عرفانی به حساب



## قرینگی در هنر و عرفان / 249

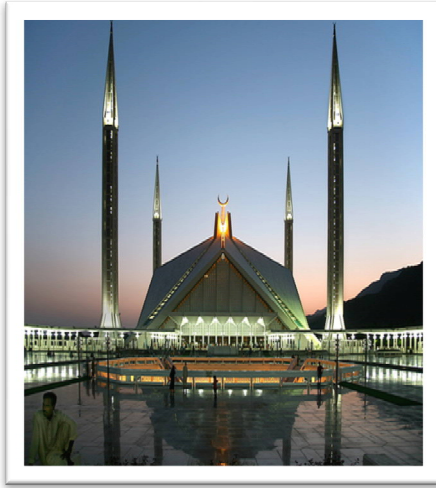
می‌آید، حداکثر از هفت نوع تقارن بهره گرفته شده است. اینکه آثار این هنرمند تماماً بر اساس روش‌ها و دغدغه‌های یک هنرمند مسلمان در یک امتداد باشد به شدت جای مناقشه و بحث وجود خواهد داشت، اما اینکه هنرمندی چون اشرف در سرزمینی با ویژگی‌های خاص خود و در عصری که اساساً تمامی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در بستر سرمایه‌داری و سنت‌گریزی بنیان گذاشته شده است در شکل‌دهی به فضایی مانوس و صمیمی با استفاده از مولفه قرینگی به ایجاد چنین فضاهایی مبادرت می‌کند، به نوعی شناخت و عرفان - هرچند در لایه‌های اولیه - دست می‌یازد و این جای بسی تأمل و بررسی می‌باشد. هر چند این نگرش به شکل‌های مختلفی و با ویژگی‌های متفاوت را در سایر کشورها و فرهنگ‌ها نیز به صورت گسسته و در سطوح متفاوت‌تری می‌توان مشاهده نمود. در این بخش شکل‌های متفاوت قرینه‌سازی در آثار مورس اشرف مورد بررسی و آنالیز قرار می‌گیرد.



مهراب مسجد جامع کاشان



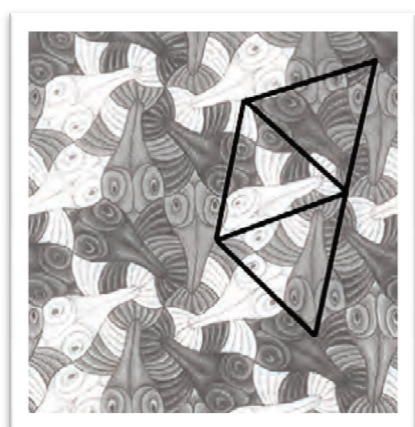
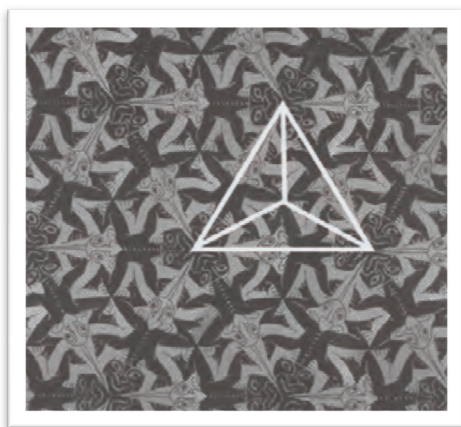
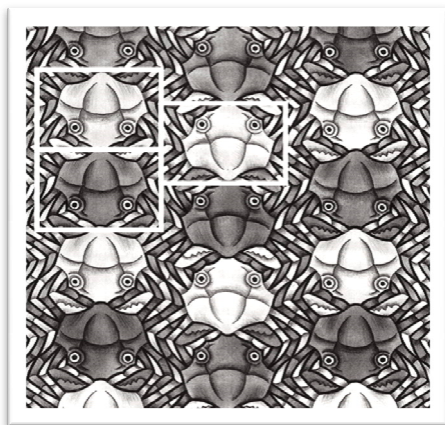
آبی اثر برنت نیومن



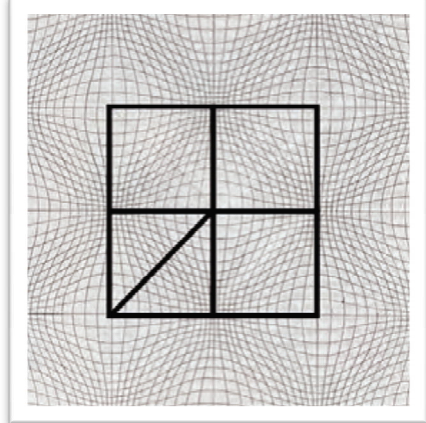
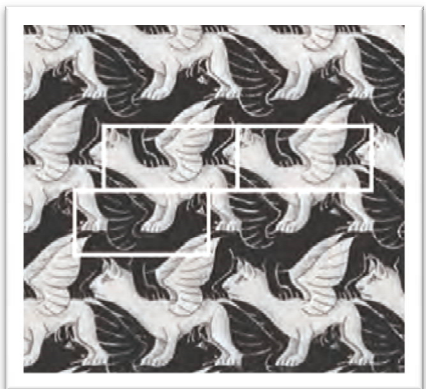
اثری از اسماعیل آتیش (1967 متولد) مسجدی در پاکستان

نمونه‌هایی از روش‌های قرینه‌سازی در آثار موريس اشتر نقاش و طراح

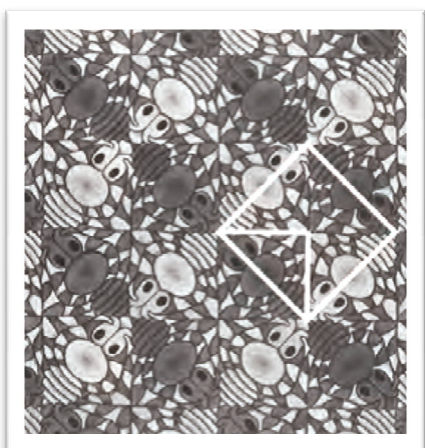
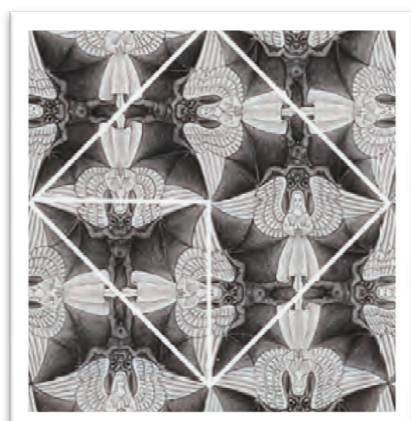
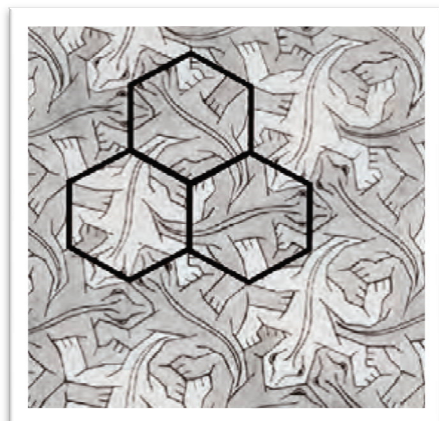
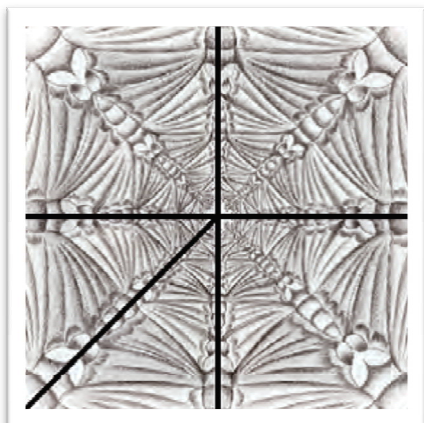
بزرگ هلندی در قرن بیستم



انواع قرینه‌سازی در آثار موريس اشرف



انواع قرینه سازی در آثار موریس اشتر



## منابع و مأخذ:

- 1- ابوالبركات بغدادی، 1357-1358، الكتاب المعتبر فی الحكمة، حیدرآباد دكن، اصفهان: چاپ افست، 1373 ش 4.
- 2- احمد بن محمد میبدی، 1361، كشف الاسرار و عدة الابرار، چاپ علی اصغر حكمت، تهران: ش 9.
- 3- اعتمادی، احسان، پاییز 1377، سقاخانه، فصلنامه هنرهای تجسمی، شماره 3، تهران.
- 4- افشار مهاجر، کامران، 1384، هنرمند ایرانی و مدرنیسم، دانشگاه هنر، تهران.
- 5- پاکباز، رویین، بهار 1370، چهره‌ای از قندریز، ویژه‌نامه گردون، هنر نقاشی، تهران.
- 6- عزیزالدین بن محمد نسفی، 1341، مجموعه رسائل مشهور به كتاب الانسان الكامل، تهران: چاپ ماریژان موله، تهران: ش 10.
- 7- علی بن محمد ترکه اصفهانی، 1375، شرح گلشن راز، چاپ کاظم دزفولیان، تهران: ش 5.
- 8- محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، 1363، اسرارالآیات، ترجمه و تعلیق: محمد خواجوی، تهران: ش الف 7.
- 9- محمد بن یحیی لاهیجی، 1377، شرح گلشن راز (مفاتیح الاعجاز)، تهران: چاپ علیقلی محمودی بختیاری، ش 8.
- 10- محمود بن عبدالکریم شبستری، 1371، گلشن راز، تهران: چاپ احمد مجاهد و محسن کیانی، ش 6.

11- *Türk ve Yabancı Resminde İstanbul. İstanbul: Turing ve Otomobil Kurumu Yayını, 1977, 20.*

12- [http://www.citytomb.com/biography/fa/Jazeh\\_Tabatabai/](http://www.citytomb.com/biography/fa/Jazeh_Tabatabai/)

13- <http://lebriz.com/default.aspx?bhcp=1>

14- <http://www.artgallery.nsw.gov.au/exhibitions/sol-lewitt/>

15- <http://www.maarefat.com/>

16- <http://www.eshia.ir/>